

نوشته‌ی
والتر آرنولد کوفمان

نیچه

فیلسوف، روان‌شناس و دجال

ترجمه‌ی
فریدالدین رادمهر



ترجمه

فهرست

۹

مقدمه‌ی مترجم

۱۸

مقدمه‌ی ویراست چهارم (۱۹۷۴)

۲۱

مقدمه‌ی ویراست سوم (۱۹۶۸)

۳۱

مقدمه‌ی ویراست دوم (۱۹۵۶)

۳۳

مقدمه‌ی ویراست اول (۱۹۵۰)

۳۹

یادداشتی درباره‌ی نقل قول‌ها

۴۱

پیش‌گفتار

بخش یکم | سوابق | ۶۳

۶۵

فصل اول

زندگی نیچه به مثابه‌ی پیشینه‌ی اندیشه‌اش

۱۳۲

فصل دوم

روش نیچه

۱۶۴

فصل سوم

مرگ خدا و ارزیابی دوباره‌ی آن

بخش دوم | بسط تفکر نیچه | ۱۹۵

۱۹۷

فصل چهارم

هنر و تاریخ

۲۴۶

فصل پنجم

آگزیستانس در برابر دولت، داروین و روسو

۲۷۴

فصل ششم

کشف اراده‌ی معطوف به قدرت

بخش سوم | فلسفه‌ی نیچه در باب قدرت | ۳۱۵

۳۱۷

فصل هفتم

اخلاق و اعتلا

۳۴۰

فصل هشتم

اعتلا، روح و اروس

۳۷۸

فصل نهم

قدرت در برابر لذت

۴۱۲

فصل دهم

نژاد برتر

۴۴۱

فصل یازدهم

ایرانسان و رجعت ابدی

بخش چهارم | تلخیص‌ها | ۴۷۵

۴۷۷

فصل دوازدهم

تفییح مسیحیت توسط نیچه

۵۴۶

فصل سیزدهم

تلقی نیچه از سقراط

۵۷۳

مؤخره

میراث نیچه

۵۸۸

ضمیمه

دست‌نویس‌های «ممنوعه»ی نیچه

۶۳۲

چهار نامه

شرح و دست‌نویس اوراق

۶۵۵

کتاب‌شناسی

۶۷۷

نمایه

فصل اول

زندگی نیچه به مثابه‌ی پیشینه‌ی اندیشه‌اش

در این جاست که راه مردان از هم جدایی گیرد: اگر خواهی به آرامش روح و لذت و صلح و طمأنینه برسی، ایمان داشته باش، اما اگر سرسپرده‌ی حقیقت هستی، پرس و جو کن!

نامه به خواهرش، ۱۱ ژوئن ۱۸۶۵

من مسحور استقلالم؛ همه چیز را فدایش خواهم ساخت... بیش از رنج دیگران از زنجیر، با ناچیزترین تارها شکنجه می شوم. (مج ۲۱/۸۸)

۱

پیشینه‌ی خانوادگی نیچه تضاد آشکاری با تفکرات متأخر او دارد. در بررسی این پیشینه می‌کوشند فلسفه‌ی او را واکنش به دوران کودکی‌اش تفسیر کنند: رویه‌ی او در قبال ناسیونالیسم، لوتر، مسیحیت، اخلاق روستایی و آلمانی‌ها ظاهراً به سادگی در قالب چنین چارچوبی می‌گنجد. اما این رویکرد، با وجود اقتباس مکرر، مانع درک شایسته‌ی فلسفه‌ی نیچه می‌شود. بخشی از اندیشه‌ی این فیلسوف را شاید بتوان مسبوق به نخستین تجارب او دانست، اما این که این اندیشه را مستقیماً معلول آن‌ها شمریم، خطاست. یک معضل، هنگامی که مطرح می‌شود، نیروی محرک خود را نیز حمل می‌کند و متفکر بر این اساس، به معضلات و راه‌حل‌های جدیدی سوق داده می‌شود. برای درک این معضلات باید نخست، بسط تفکر او را پی گیریم - و این بهترین کاری است که باید فارغ از ارزیابی زندگی او انجام

در ژانویه سال ۱۸۵۰ مادر نیچه، که اینک بیوه بود، کوچک‌ترین فرزندش را، که به سال ۱۸۴۸ به دنیا آمده بود، از دست داد و در همین سال، خانواده را به نومبرگ برد. نیچه در نومبرگ بقیه‌ی دوران کودکی‌اش را در حالی سپری کرد که تنها فرد ذکور خانواده‌ای شامل مادر و خواهر و مادر بزرگ و دو عمه‌ی مجردش بود.

در سال ۱۸۵۸ با بورس تحصیلی به پانسیون مدرسه‌ی قدیمی پفورتا^۱ رفت. نزدیک به شش سال در این مدرسه و تحت قوانین دقیق و منضبط سنت‌هایش درس خواند. پیش از او نیز کلوپشتاک^۲، نوالیس، فیخته، رانکه و نیز برادران شلیگل^۳ به همین شیوه آموزش دیده بودند. او در درس تعلیمات دینی، ادبیات آلمانی و ادبیات کلاسیک به نحوی استثنایی خوب، اما در ریاضیات و نقاشی ضعیف بود.

نیچه در سال ۱۸۶۱ مقاله‌ی شورمندانه‌ای درباره‌ی «شاعر محبوب» خود، فریدریش هولدرلین، نوشت که «خیلی از مردم به‌دشواری با نامش آشنایی داشتند.» هولدرلین دهه‌های آخر عمرش را با دیوانگی بی‌درمان سپری کرد، اما شصت سال بعد که نیچه مرثیه‌ی عاشقانه‌ی خود را برایش نگاشت، همگان او را بزرگ‌ترین شاعر آلمانی بعد از گوته می‌شناختند. آموزگار نیچه بر صدر این مقاله نوشت: «من باید به نویسنده‌ی این مقاله نهایت احترام را تقدیم دارم که به سراغ شاعری سلیم‌تر و فصیح‌تر از هر شاعر آلمانی دیگر رفته است.»

در گزارش پزشکی مدرسه، به سال ۱۸۶۲، چنین ثبت شده: «... [نیچه] نزدیک‌بینی دارد و غالباً به میگرن دچار است. پدرش بر اثر اختلالات مغزی درگذشته؛ او در پیری صاحب فرزند شد (در واقع پدر نیچه ۵۷ سال داشت و مادرش ۳۵ ساله بود). یک پسر، آن هم در زمانی که پدر بیمار بود (اغلب گزارش‌های پزشکی این مطلب را تصدیق نمی‌کنند)؛

1. Pforta

۲. Friedrich Gottlieb Klopstock (۱۸۰۳-۱۷۲۴): شاعر معروف آلمانی که خدمات بسیاری به ادبیات آلمان کرد. گوته از تأثیر او بر خود خبر داده است. برای شرح حال جذاب او بنگرید به:

[مترجم]. Muncker F., F. G. Klopstock, 1888, the most authoritative biography.

3. Schlegel

گیرد، چنان که تلقی مشترک تقریباً به نحو ناگزیری بر انگاره‌ای باطل از رابطه‌ای علی میان زندگی و فلسفه^۱ دلالت می‌کند.^۲

نیچه در روکن^۳، در ایالت پروسی ساکسونی، در ۱۵ اکتبر سال ۱۸۴۴ به دنیا آمد. در آن زمان، پدرش لودویگ نیچه، یک کشیش پروتستان سی و یک‌ساله و مادرش دختر یک کشیش لوتری و هجده‌ساله بود. جد پدری او کشیش و نویسنده‌ی چند کتاب بود، از جمله جمالیئل یا دوران ابدی مسیحیت: ساختن و تسکین...^۴ (۱۷۹۶). بسیاری از اجداد نیچه اسقف و کشیش بودند و به نظر نمی‌رسد، آن‌طور که خود نیچه باور داشت، هیچ‌یک تبار لهستانی داشته باشند. پدرش به افتخار امپراتور فریدریش ویلهلم چهارم، امیر کشور پروس، او را فریدریش ویلهلم نام گذاشت. نیچه در سالروز تولد این امپراتور نیز به دنیا آمده بود. امپراتور مزبور چندی بعد دیوانه شد، درست همان‌گونه که پدر نیچه آشفته‌فکر شد. نیچه بعدها اسم وسط خود را، به همراه وطن‌پرستی و دین‌خوادی، حذف و به نام خانوادگی بسنده کرد. او نیز در ژانویه سال ۱۸۸۹ مجنون شد.

در اولین فقراتی که نیچه از شرح حال خود به دست داده، می‌نویسد: «در سال ۱۸۴۸ پدر عزیزم ناگهان از لحاظ عقلی دچار بیماری شد.» زمانی که الیزابت فورستر - نیچه این قطعه را در کتاب شرح حال برادر خود نقل و به سال ۱۸۹۵ منتشر کرد، این کلمات را به این نحو تغییر داد: «... ناگهان بر اثر سقوط به شدت مریض شد!» در واقع، تشخیص پزشک، زوال مغزی^۵ بود و بعد از مرگ لودویگ نیچه به سال ۱۸۴۹ جمجمه‌ی او شکافته و تشخیص مزبور تأیید شد. با این حال، اغلب متخصصان توافق دارند که دیوانگی فیلسوف ما ارثی نبوده است.

۱. اگرچه نویسنده واضح گفته است، باید روح سخن او را فهمید که میان زندگی متفکر و فلسفه‌ی او لزوماً رابطه‌ی علت و معلولی برقرار نیست؛ نه آن‌که بر هم بی‌تأثیرند. نویسنده در کتاب کشف ذهن، دست‌کم درباره‌ی کانت و هگل و هایدگر به این رابطه به نحو مستوفی اشاره کرده است. - م.

۲. در عبارت بعدی چند سطر از مقاله‌ی خودم درباره‌ی نیچه، که در دایرة‌المعارف فلسفه (New York, Macmillan and The Free Press, 1967, vol. 8, pp. 504 ff.) درج شده است، سود جست‌ام که افزون بر آن، شامل برخی اضافات درباره‌ی پیشینه‌ی علائم پزشکی بیماری نیچه و البته وقایعی است مقدم بر تاریخی که از او دعوت شد برای تدریس لغت‌شناسی باستانی به دانشگاه بازل رود.

3. Röcken

4. *Gamaliel, or the Every Lasting Duration of Christianity: For Instruction and Sedation...*

5. Gehirnerweichung